

حضرت عبدالبهاء می فرمایند: " کلمه الهیه حکم نار موقده دارد و در هر اقلیم القاء شود البته شعله برافروزد و پرده خمودت متزلزلین را بسوزد ".  
منتخباتی از مکاتیب جلد ۲ ص ۱۷۰

عنوان برنامه: خلافت کلمه الله

#### قسمت روحانی

- ۱ مناجات شروع از آثار حضرت بهاء الله جلّ جلاله
- ۲ ذکر دسته جمعی " سبوح قدوس ربنا و رب الملائکه و الروح "
- ۳ نصوص حضرت بهاء الله جلّ بیانه
- ۴ لوح مبارک حضرت عبدالبهاء عزّ بیانه
- ۵ نصوص حضرت عبدالبهاء جلّ ثنائه

#### قسمت اداری

- ۶ قسمتهائی از توقیعات حضرت ولی عزیز امرالله
- ۷ قسمتی از سند سوم ( ۲۷ آوریل ۲۰۰۳ )
- ۸ قسمتی از شرح ایمان جناب اشراق خاوری
- ۹ برنامه نوگلان بوستان الهی ( به انتخاب نونهالان عزیز )
- ۱۰ شور و پیشنهادات

#### قسمت اجتماعی

- ۱۱ تنفس و پذیرائی
- ۱۲ مناجات خاتمه ( به انتخاب تلاوت کننده )

الها معبودا مقصودا کریمما رحیما

جانها از تو و اقتدارها در قبضه قدرت تو ، هر که را بلند کنی از ملک بگذرد و به مقام " وَ رَفَعْنَاهُ مَكَانًا عَلِيًّا " رسد و هر که را بیندازی از خاک پست تر بلکه هیچ از او بهتر. پروردگارا ، با تباهاکاری و گناهکاری و عدم پرهیزکاری مقعد صدق می طلیم و لقای ملیک مقتدر می جوئیم . امر، امر تو و حکم آن توست و عالم قدرت زیر فرمان تو . هر چه کنی عدل صیرف است بل فضل محض . یک تجلی از تجلیات اسم رحمانت رسم عصیان را از جهان براندازد و محو نماید و یک نسیم از نسائم یوم ظهورت عالم را به خلعت تازه مزین فرماید. ای توانا ناتوانان را توانائی بخش و مردگان را زندگی عطا فرما ، شاید تو را بیابند و به دریای آگاهی راه یابند و بر امرت مستقیم مانند . اگر از لغات مختلفه عالم عرف ثنای تو متضوع شود همه محبوب جان و مقصود روان ، چه تازی چه فارسی ، اگر از آن محروم ماند قابل ذکر نه چه الفاظ چه معانی . ای پروردگار ، از تو می طلیم کل راه نمائی و هدایت فرمائی . توئی قادر و توانا و عالم و بینا .  
ادعیه حضرت محبوب ص ۳۰۸

۲ نصوص حضرت عبدالبهاء عزبیانه

حضرت عبدالبهاء می فرمایند ، قوله العزیز :

الیوم جز قوه کلّیه کلمه الله که محیط بر حقایق اشیاء است عقول و افکار و قلوب و ارواح عالم انسانی را در ظلّ شجره واحده جمع نتواند .

مکاتیب حضرت عبدالبهاء جلد ۱ ص ۳۱۹

و نیز می فرمایند ، قوله الجمیل :

اگر نور ایمان خواهید در کلماتش نظر کنید و اگر جوهر ایقان طلبید در ظهور آیات و آثارش تفکر کنید و اگر حقایق و معانی خواهید در گفتارش تأمل کنید.

حدائق میثاق ص ۱۰۲

۳ نصوص حضرت بهاء‌الله جل بیانه

حضرت بهاء‌الله می فرمایند ، قوله الجلیل :

ای حسین ... قسم به آفتاب معانی که اگر مقدار ذره‌ای از جوهر بل اقل در جلی مستور باشد البته کلمه جذبیّه و فضلیّه آنرا جذب نماید و از جبل فصل کند چنانچه در ملاً بیان ملاحظه می نمائید که آنچه از قلوب صافیّه و نفوس زکیّه و صدور منیره در این قوم بود به مکمن اعزّ اعلی و مقرّ سدره منتهی متصاعد شدند و آنچه از نفوس غیر مطهره کدره به اصل خود راجع گشتند ، به وهمی از سلطان یقین اعراض نمودند و به ظل فانی از جمال باقی غافل شده اند .  
مائده آسمانی ج ۴ ص ۱۰۴

و نیز می فرمایند ، قوله الاحلی :

ای حبیب من کلمه الهی سلطان کلمات است و نفوذ آن لا تُحصی . حضرت موجود می فرمایند : عالم را کلمه مسخر نموده و می نماید . اوست مفتاح اعظم در عالم چه که ابواب قلوب که فی الحقیقه ابواب سماء است از او مفتوح .

لوح مقصود ، مندرج در مجموعه ای از الواح جمال اقدس ابهی که بعد از نزول کتاب اقدس نازل شده ص ۱۰۷

همچنین می فرمایند ، قوله العزیز :

کلمه ای که حقّ به آن تکلم می فرماید در آن کلمه روح بدیع دمیده می شود و نفحات حیات از آن کلمه بر کل اشیاء ظاهراً و باطناً مرور می نماید دیگر تا چه زمان و عصر آثار کلمه الهیه از مظاهر آفاقیه و انفسیه ظاهر می شود .

آهنگ بدیع سال ۱۵ شماره پنجم

نیز می فرمایند ، قوله الجلیل :

ای عباد ، لثالی صدف بحر صمدانی را از کنز علم و حکمت ربّانی به قوه یزدانی و قدرت روحانی بیرون آوردم و حوریّات عُرفِ ستر و حجاب را در مظاهر این کلماتِ محکّمتِ محشور نمودم و ختم اناء مسک احدیّه را بید القدره مفتوح نمودم و روایح قدس مکنونه آن را بر جمیع ممکنات مبذول داشتم . حال مع جمیع این فیوضات منیعیه محیطه و این عنایات مشرقه لمیعیه اگر خود را منع نمائید ، ملامت آن بر انفس شما راجع بوده و خواهد بود .

آیات الهی جلد اول ص ۱۵۵

و نیز می فرمایند ، قوله تعالی :

قوه و بنیه ایمان در اقطار عالم ضعیف شده ؛ دریاق اعظم لازم . سوادِ نحاس امم را اخذ نموده ؛ اکسیر اعظم باید . یا حکیم آیا اکلیل غلبه دارای آن قدرت بوده که اجزای مختلفه در شیء واحد را تبدیل نماید و به مقام ذهبِ ابریز رساند . اگر چه تبدیل آن صعب و مشکل به نظر می آید ولیکن تبدیل قوه ناسوتی به قوه ملکوتی ممکن . نزد این مظلوم آنچه این قوه را تبدیل نماید اعظم از اکسیر است . این مقام و این قدرت مخصوص است به کلمه الله .

آیات الهی جلد اول ص ۷۷

#### ۶ قسمتی از توقیعات مبارک حضرت ولی عزیز امرالله

حضرت ولی عزیز امرالله می فرمایند ، قوله العزیز :

هر نسل نوینی از آثار و بیانات مبارکه حقیقت و مفهومی بدست خواهد آورد که از آنچه نسلهای گذشته ادراک نموده اند به مراتب وسیع تر و عظیم تر است .

مجموعه آثار مبارکه درباره تربیت بهائی ص ۱۰۸

و نیز می فرمایند ، قوله المتین :

شخص بهائی اگر توجه تام به این آثار مقدسه نماید و خوض و تعمق در بحر این تعالیم سماویه کند و معانی دقیقه و حکمتهای بالغه مودعه در هر یک را به دقت و ملاحظه از آن استنباط نماید ، از هر محنت و مشقتی و تعب و زحمتی و خطر و وبالی و حزن و کدوری در حیات مادی و ادبی و روحانی خویش محفوظ و مصون ماند .  
توقیعات مبارکه جلد ۱ ص ۶۵

#### ۴ لوح مبارک حضرت عبدالبهاء عزّ بیانه

ای بنده بهاء ، این جهان چون هیكلی مرده و ناتوان . جانش کلمه الله است و قوتش تعالیم حضرت یزدان . تا کلمه الهیه بمثابه روح رحمانیه در هیكل امکان در کمال قوت نافذ نگردد هیكل امکان به حرکت نیامده ، جسم ممکنات زنده نشود ، عالم ظلمانی نورانی نگردد و شتون شیطانی به مواهب ربّانی مبدل نشود . پس احبّای الهی باید به جان و دل بکوشند تا علو کلمه الله ظاهر گردد و آثار باهره اسم اعظم منتشر شود آن وقت مشاهده نمائید که هیكل اکوان در نهایت ملاحظت و صباحت و جمال جلوه نماید و مطلع انوار حضرت یزدان گردد

منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ج ۲ شماره ۵۱

جناب اشراق خاوری که با چند تن از بهائیان مذاکره و برخی کتب آنان را مطالعه نموده بودند موفق به پیدا نمودن ایراد نمی شوند. روزی به اتفاق ربیعی که بهائی زاده بود ولی ظاهراً ابراز نمی نمود برای گردش به پارک می روند و در گوشه مناسبی به استراحت می پردازند. ناگهان صدائی می شنوند. برمی گردند تا صاحب صدا را ببینند که ناگهان جناب وجدانی را در نزدیکی خود ملاحظه می نمایند و متوجه می شوند که وجدانی به خواندن مطلبی مشغول است. ایشان با صدائی خوش و بلند به خواندن این آیات مشغول بود: "سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ يَا إِلَهِي كَمْ مِنْ رُؤُوسٍ نُصِبَتْ عَلَى الْقِنَاءِ فِي سَيْلِكَ وَ كَمْ مِنْ صُدُورٍ اسْتَقْبَلَتْ السَّهَامَ فِي رِضَائِكَ ...." این مناجات را که در لوح سلطان نازل شده با توجهی تام تا آخر می خواند. در این حال اشراق خاوری متوجه می شود که پیرمرد در هنگام تلاوت این مناجات اشکش جاری است. سپس با کمال دقت به بقیه این مناجات گوش می سپارد: "ثُمَّ اجْتَذِبِهِمْ يَا إِلَهِي بِكَلِمَتِكَ الْعُلْيَا عَنْ شِمَالِ الْوَهْمِ وَ النِّسْيَانِ إِلَى يَمِينِ الْيَقِينِ وَ الْعِرْفَانِ ...." در این حال بود که جناب اشراق خاوری متوجه میشوند حالتشان تغییر یافته، کراهتشان به کلی از بین رفته، محبت زیادی را نسبت به وجدانی در خود احساس می نمایند و برای شنیدن این قبیل کلمات تشنه هستند. با تمامی وجودشان به بقیه مناجات توجه می نمایند خصوصاً با شنیدن عبارت "ثُمَّ اجْتَذِبِهِمْ" احساس می کنند که گوئی آتش و سوزشی تمام وجودشان را دربر گرفته است. از جناب ربیعی می خواهند که از آقای وجدانی وقت ملاقات بگیرند. وقت ملاقات فرا می رسد. وقتی به آنجا می رسند دق الباب نموده متوجه می شوند که در باز است، پیرمرد نورانی، جناب وجدانی در انتظار ورود ایشان می باشد. پس از پذیرائی، اقدام به تلاوت آیات می نماید. تفسیر سورة الشمس را که از قلم مبارک جمالقدم جل جلاله نازل شده بلند بلند تلاوت می نماید. تلاوت آیات تا دو ساعت بعد از طلوع آفتاب ادامه می یابد. سپس خداحافظی می نمایند و از درب فرعی آن محل را ترک می نمایند ولی خود را در دنیای دیگری احساس می کنند و بر امر مبارک ایمان میآورند.

برگرفته از پیام بهائی شماره ۱۵۸

راهنمای ناظمین

یار روحانی ، با تقدیم تحیات

این برنامه با عنوان " خَلْقِیَّت کلمه الله " تقدیم می گردد . امید که با هدایت شما عزیز روحانی برنامه به بهترین وجه اجرا شود . در صورت امکان و اقتضای وقت در فواصل برنامه ها می توان زمانی را به بیان تجربیات شخصی اعضاء و یا حکایاتی در این زمینه اختصاص داد .

مزید توفیقتان را سائلیم